

## امام مهدی (عج) در قرآن کریم

بحث از ظهور پربرکت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، با استناد به آیات قرآنی، به مقدمه ای کوتاه نیاز دارد.

سخنران: آیت الله محمد هادی معرفت

### مقدمه

بحث از ظهور پربرکت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، با استناد به آیات قرآنی، به مقدمه ای کوتاه نیاز دارد. اگر ما خواسته باشیم این مسأله را از صریح آیات به دست آوریم، شاید خواسته ای بی مورد باشد. اساساً پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از روز اول این تذکر را به عامه ی مسلمانان داد و فرمود: قرآن دارای ظهر است و بطن؛ ما فی القرآن آیهٌ إلا ولها و ظهرٌ و بطنٌ (1). این حدیث از متواترات است، یعنی کتب حدیثی اهل سنت و شیعه اتفاق دارند این حدیث از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صادر شده است. سرّ مطلب این است که قرآن کریم دارای دو جهت است که باید مورد عنایت قرار گیرد.

### جهت اول

اول این که آیات و سوره های قرآن در مناسبت های مختلف و به عنوان علاج حادثه یا واقعه ای نازل شده است. این موجب می شود دلالت آیه نوعی وابستگی پیدا بکند با آن شأن نزول. اگر این طور شد، دلالت همیشگی قرآن که پیامی جاودانی باشد، مقداری زیر سؤال می رود. لذا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: عنایت شما فقط به این اسباب نزول نباشد. در پس پرده یک معنای عامی وجود دارد که جنبه ی شمولی دارد و برای همیشه است. لذا ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) سؤال می کند این که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «ما فی القرآن آیهٌ إلا ولها ظهرٌ و بطنٌ» (2). یعنی چه؟ امام (علیه السلام) می فرماید: «ظهره تنزیلهٌ و بطنه تأویل» (3)؛ یعنی ظاهر قرآن و ظهر قرآن همان دلالتی است که با رعایت و عنایت به شأن نزول ها روشن می شود که تقریباً می توان نوعی مقطعی بودن و محدودیت از آن فهمید؛ ولی قرآن به این اکتفا نکرده است.

### جهت دوم

قرآن جهت و جنبه ی دوم هم دارد که جنبه ی جاوید است. جاوید بودن قرآن به ظهر آن نیست آنچه بقای قرآن را ضمانت کرده است تا پیامی همیشگی باشد، بطن قرآن است.

### بطن قرآن چیست؟

درباره ی بطن بحث های بسیار شده است که مقصود از بطن چیست؟ بطن معنایش خیلی ساده است؛ یعنی این طور نیست که نتوان به آن پی برد. بطن آیات در اختیار ائمه (علیهم السلام) است و آن ها از بطن آیات آگاهی دارند؛ اما راه رسیدن به آن را به ما یاد داده اند. بطن آیات قرآن آن مفاهیمی است که جنبه ی شمولی داشته و از قیودی که آیه را فراگرفته جدا شده باشد.

### ضابطه ی تفسیر و تأویل

همان گونه که تفسیر ضابطه دارد، تأویل هم ضابطه دارد. ضابطه این است که آن خصوصیات و ویژگی هایی که آیه را فراگرفته طبق قانون «سبر و تقسیم» از آیه جدا کنیم؛ سپس آنچه از دلالت آیه به دست آمد، آن بطن آیه است؛ مثلاً در آیه ی «و ما أُرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحي إليهم فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون» (4)؛ مخاطب آیه مشرکین است و مورد سؤال مسأله ی نبوت. آیا بشر می تواند پیغمبر بشود یا نه؟ کسانی که باید از آن ها سؤال بشود علمای اهل کتاب به ویژه یهود هستند که در یثرب و حجاز ساکن بودند.

عرب ها بسیاری از مسائل مربوط به معارف را از این ها سؤال می کردند و عقیده داشتند این ها دانشمندان. آیه، بنابراین عقیده ی مشرکین، می گوید که پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بشر و از جنس شماس است. اگر در پیامبری او تردید دارید، از یهود و از اهل کتاب بپرسید که پیغمبران آن ها چه کسانی هستند و بودند. آن ها به شما خواهند گفت: این ظاهر آیه است. پس آیه برحسب ظهر به مشرکین و مسأله ی نبوت و رجوع مشرکین به اهل کتاب مقید می شود. اما ما طبق قانون «سبر و تقسیم» ویژگی های آیه را بررسی می کنیم تا مشخص شود کدام یک از این ویژگی ها در هدف آیه دخالت دارد و کدام یک ندارد. آن هایی که دخالت ندارند حذفشان می کنیم؛ برای مثال آیا خطاب به مشرکین خصوصیتی دارد؛ یعنی مشرک بودن در مخاطب بودن به این آیه خصوصیتی دارد؟ قطعاً ندارد، چرا؟ چون آنچه موجب شده آیه به مشرکین این

سخن را بگوید جهل آن ها است نه شرک آن ها. پس مشرک بودن در هدف آیه دخالت ندارد و آنچه دخالت دارد جهل آن ها است.

#### مسأله نبوت

مورد سؤال در آیه، مسأله نبوت است. آیا بشر می تواند پیامبر باشد یا نه؟ آیا این مسأله در مدلول آیه خصوصیتی دارد یا این که در مورد شک در هر مسأله ای از معارف دینی است چه معارف چه فروع احکام و چه مسائل مربوط به شؤون دین؟ (مسأله ی نبوت یا غیر آن)، پس خصوص مسأله شک در مسأله ی نبوت هیچ خصوصیتی در هدف آیه ندارد و لغو می شود. بعد کسانی که باید از آن ها سؤال بشود، چه کسانی بودند؟ اهل کتاب و یهود بودند. آیا سؤال از یهودیان و اهل کتاب خصوصیتی دارد و در هدف آیه مهم است یا دانا بودن نسبت به مشرکین نادان مدنظر است؟ نتیجتاً به دست می آید که دانا بودن آن ها مدخلیت در هدف آیه دارد نه اهل کتاب یا یهودی بودن. پس وقتی این ویژگی ها را بررسی کردیم و این موارد را کنار گذاشتیم، بطن آیه به دست می آید. بطن آیه چیست؟ بطن آیه این است: آن که به مسائل دینی فروغاً و اصولاً جاهل است، باید به دانایان رجوع کند. پس استخراج بطن آیه مشکل نیست. راه دارد. لذا امروزه اگر از دلیل جواز تقلید عامی از مجتهد پرسش شود، همین آیه را می خوانند:

«...فَسْئَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (5).

#### ایراد و جواب

این که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: ما اهل ذکر هستیم؛ یعنی اساساً آنچه هدف آیه است رجوع به عالم است، ما سرآمد علما هستیم و باید همه ی جهال به ما رجوع کنند. این که تفسیر صافی می گوید، طبق فرمایش امام صادق (علیه السلام) این آیه اصلاً خطاب به مشرکین نیست و خطاب به مسلمین است، درست نیست. یکی از اشکالاتی که به تفسیر صافی وارد است، همین است که مسأله ی تأویل و بطن با مسأله ی تنزیل و تفسیر خلط شده است. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه بطن آیه را می گوید. اساساً پیغمبراکرم (صلی الله علیه و آله) از ابتدا اشاره فرموده است که آنچه بقای قرآن و شمولی بودن و جاوید بودن آن را ضمانت می کند، جنبه ی بطن آن است؛ یعنی همان مفاهیم کلی که قابل تطبیق در هر زمان و هر مکان است؛ و فقط به شأن نزول ها که آیه را وابسته می کند، اعتبار نیست.

#### بررسی آیات ظهور

با این مقدمه، به بررسی آیاتی که دلالت بر ظهور منجی عالم حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد می پردازیم.

#### آیه اول

«وَوَ تَرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ\* وَ تُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (6)

این آیه درباره ی بنی اسرائیل و در قصه ی حضرت موسی (علیه السلام) و فرعون است. پس این آیه، از لحاظ تنزیل و از لحاظ ظاهر، به داستان بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی (علیه السلام) و فرعون مربوط است.

#### یک اصل

اما در این آیه یک اصلی مطرح شده است و آن این که اراده ی ازلی الهی بر این تعلق گرفته که مستکبرین ریشه کن شوند و مستضعفین و عبادالله الصالحین وارثین ارض و حاکمین در زمین باشند؛ آن هم در پهنای زمین. آیه این اصل را مطرح می کند. پس محتوا و مفهوم عام آیه به خصوص زمان حضرت موسی (علیه السلام) و بنی اسرائیل مربوط نیست. آنچه در آن زمان تحقق یافت، گوشه و جلوه ای از این اراده ی ازلی الهی بود که باید مستضعفین بر مستکبرین پیروز گردند و مستضعفین وارث زمین گردند. اما آیا آن اراده ی ازلی به طور کامل تحقق یافت؟ نه. این جا خداوند به طور حتم فرموده است «تَرِيدُ» این اراده باید تحقق پیدا کند. در زمان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و همچنین در فتراتی از زمان که از جمله عصر حاضر گوشه و نموداری از اراده ازلی الهی تحقق یافت؛ اما این وعده ی الهی حتماً باید به طور شمول محقق شود و همه ی جهان را فراگیرد. قطعاً این اراده باید تحقق پیدا کند و این اراده جز با ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امکان پذیر نیست.

در حدیث مفصل بن عمر می گوید:

سمعت ابا عبد الله (علیه السلام) يقول إن رسول الله (صلی الله علیه و آله) نظر إلى عليّ و الحسن و الحسين (عليهم السلام) و بکی و قال انتم المستضعفون بعدی قال المفضل قلت ما معنى ذلك؟ قال (علیه السلام): معناه أنكم الأئمة بعدی. إن الله عزوجل يقول «وَوَ تَرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (7). قال (علیه السلام): و هذه الآية جارية فينا إلى يوم القيامة. (8)

این اراده ی ازلی حق تعالی همیشه جریان دارد یعنی گهگاه نمود پیدا می کند تا تحقق نهایی. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید:

لَتَغْطِقَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرُوسِ عَلَيَّ وَكَلْدَهَا... (9)

یعنی: این دنیا که امروزه از ما روگردان است روزی به ما روخواهد آورد همانند ناقه ای که به فرزندش از روی علاقه، روی می آورد.

آن وقت حضرت این آیه را تلاوت فرمود:

«وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً وَ تَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (10)

ابن ابی الحدید در شرح این خطبه می گوید:

و الامامية تزعم ان ذلك وعد منه بالامام الغائب الذي يملك الارض في آخر الزمان و اصحابنا يقولون إنه وعد يمام يملك الارض و يستولى على الممالك (11)

ببینید تا این جا بین ما و علمای اهل سنت فرقی نیست در این که این آیه حتماً به دست یکی از فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) تحقق خواهد یافت و به طور شمولی بر تمام زمین مستولی خواهد شد و همه ی مستکبران را نابود خواهد کرد و صالحین وارث زمین خواهند گردید.

ابن ابی الحدید می گوید ما هم قبول داریم شیعه هم قبول دارد. با این تفاوت که اهل سنت می گوید ضرورت ندارد که آن امام فعلاً حیات داشته باشد بلکه به وقت خودش متولد خواهد شد و این کار را انجام خواهد داد:

... لا يلزم أن يكون موجوداً بل يكفي في صحة هذا الكلام أن يخلق في آخر الوقت... (12)

پس ما با برادران اهل سنت در اصل ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اختلاف نداریم و این که از ولد امام حسین (علیه السلام) است، این هم اتفاق نظر است.

#### تفاوت دیدگاه

نقطه ی فارق بین ما و اهل سنت این است که شیعه یک فلسفه ای دارد و آن فلسفه، وجود واسطه در فیض است. شیعه عقیده اش این است که پیوسته بایستی حجت حق به طور حی و زنده در روی زمین باشد تا واسطه ی برکات و فیوضات الهی برای همه ی جهانیان باشد. این اصل، پایه ی مکتب تشیع را تشکیل می دهد.

امام حسین (علیه السلام) هفت زیارت مطلقه و هفت زیارت مخصوصه دارد. زیارت مطلقه ی اول اصح سنداً است؛ چون از ابن قولویه و سند آن بسیار معتبر است و علامه ی امینی مقید بود هر وقت به کربلا مشرف می شد، همین زیارت را بخواند. ما می دانیم تمام ادعیه و زیارات مکتب سیار است؛ یعنی دانشگاهی است که همیشه شیعه در این دانشگاه تربیت می شود.

اصول معارف، عقاید و زیربنای عقیده اسلامی ناب در همین زیارات و ادعیه به شیعه تعلیم می شود. این ها به صورت زیارت و به صورت دعا است، اما فی الواقع درس و تربیت است. در این زیارت این جمله را وقتی که جلوی ضریح امام حسین (علیه السلام) می ایستیم می خوانیم:

...إرادة الرب في مقادير أموره تهبط اليكم و تصدر من بيوتكم... (13)

یعنی یگانه واسطه ی فیض به طور مطلق و فراگیر شما هستید.

آیا شما که مقابل ضریح امام حسین (علیه السلام) این جمله را می گوئید، توجه دارید؟ این درسی است از عقاید شیعیان.

یا در زیارت رجبیه می خوانیم:

... أنا سائلکم و أمليکم فيما إليکم التفويض و عليكم التعويض... (14)

این مطالب را ما در مقابل ضرایح ائمه (علیهم السلام) عرض می کنیم. معنایش این است که ما عقیده ی خودمان را اظهار می داریم. این عقیده ی شیعه است. بنابراین اصل و مبنای شیعه، وجود حجت ضرورت دارد. مبنای تشیع ضرورت وجود حجت به عنوان واسطه در فیض است.

#### آیه ی دوم

آیه ی دیگری که در این زمینه است می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (15)

زبور همین مزامیر داوود (علیه السلام) است که هم نسخه ی عربی و هم نسخه ی فارسی اش که چاپ لندن است، موجود است و بنده آن را دارم. همین عبارتی را که قرآن کریم می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ» (16) در زبور فعلی هست. این آیه می فرماید ما در زبور داوود (علیه السلام) این مطلب را نوشتیم. این مثل همان آیه ی قبلی است؛ یعنی یکی از اساسی ترین مسائلی است که اراده ی ازلی حق به آن تعلق گرفته است که «ان الارض يرثها» (17) این يرثها جنبه ی شمولی دارد؛ یعنی به طور فراگیر حاکمان زمین عباد صالحین خواهند بود. خوب این در چه زمانی تحقق یافته. آیا این وعده الهی تنها وعده است؟ یا قطعیت دارد و باید تحقق پیدا کند. حالا من عبارت فارسی که در زبور است، می خوانم عربی آن را هم نوشته ام.

آیه ی شریفه می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ» (18)؛ یعنی اول یکسری موعظه کردیم. بعد از آن، این مطلب را مطرح کردیم: «ان الارض يرثها عباد الصالحون» (19). در مزامیر داوود (علیه السلام) مزمور 37 (فصل 37) چنین آمده است:

نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش و در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (20)

این آیه هم اشاره به همین جهت دارد.

درباره ی حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) و این که در آخرالزمان رجوع می کند، این آیه می فرماید:

«وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ- وَ قَالُوا أُلَهِتُنَا حَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِيمُونَ-إِنْ هُوَ إِلا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ-وَ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ-وَ إِنَّهُ لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونَ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (21)

این حجر هیثمی در کتاب صواعق المُحرقة- این کتاب رد بر شیعه نوشته شده «فی الرد علی اهل البدع و الزندقه»- درباره ی دوازده امام (علیهم السلام) عالی نوشته مخصوصاً درباره ی حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به تفصیل سخن رانده است او می گوید:

قال مقاتل بن سلیمان وَ مَنْ تَبَعَهُ مِنَ الْمَفْسَرِينَ إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي الْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

باز همین ابن حجر می گوید:

وَ سَتَأْتِي الْإِحَادِيثُ الْمَصْرُحَةَ بِأَنَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ (علیهم السلام) فِي الْآيَةِ دَلَالَةٌ عَلَى الْبِرَكَةِ فِي نَسْلِ فَاطِمَةَ وَ عَلِيٍّ (علیهما السلام) وَ أَنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ مِنْهُمَا سَفِيرًا طَيِّبًا وَ أَنْ يَجْعَلَ نَسْلَهُمَا مَفَاتِيحَ الْحِكْمَةِ وَ مَعَادِنَ الرَّحْمَةِ وَ سِرٌّ ذَلِكَ أَنَّهُ أَعَادَهَا وَ ذَرَبَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ دَعَا لِعَلِيِّ بِمَثَلِ ذَلِكَ (22).

بعد این روایت را نقل می کند.

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا أَنْزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ (23).

حضرت عیسی (علیه السلام) نزول پیدا می کند ولی امام از خود شما است.

وَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَ إِنَّهُ لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ...» (24) ای من علائم الساعةِ حیث نزوله فی آخرالزمان (25).

در این زمینه، در حدیث دیگری از ترمذی در جامعش (جلد چهار صفحه ی 501) و ابوداوود در سنن (جلد چهار صفحه 106) آمده است:

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا (عزیزاً) حَتَّى يَكُونَ أَثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ (26).

این احادیث در صحیح مسلم هم هست و احمد و دیگران هم دارند.

حدیث دیگری از پیامبر (صلى الله عليه و آله) می فرماید:

يَا عَلِيُّ إِنَّ بِنَا حَتَمَ اللَّهُ الدِّينَ كَمَا بِنَا فَتَحَهُ... (27)

شیخ عبدالوهاب شعرانی عارف معروف از عرفای برجسته ی جهان تسنن است. او کسی است که در کتاب یواقیت و جواهر و دیگر کتبش تمام آرای شیخ اکبر، شیخ محی الدین ابن عربی را مطرح کرده است. او در یواقیت و جواهر (جلد دوم صفحه 143) می گوید:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مِنْ أَوْلَادِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ (علیه السلام) وَ مَوْلَدُهُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتِينَ وَ هُوَ بَاقٍ إِلَى أَنْ يَجْتَمَعَ بَعِيسَى بِنِ مَرْيَمَ فَيَكُونُ عُمُرُهُ إِلَى وَقْتِنَا هَذَا سَبْعَ مِائَةٍ وَ سِتِّ (28).

شعرانی که در سال 958 می زیسته است، بعد می گوید:

وَ عِبَارَةٌ شَيْخِ مَحْيِ الدِّينِ مِنَ الْفَتْوحَاتِ [بَاب 366 فَتَوَحَّات]: أَنَّهُ لَا بَدَّ مِنْ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وَ لَكِنْ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَمْتَلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ مِنَ الدُّنْيَا إِلا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِي ذَلِكَ الْخَلِيفَةَ مِنْ عِتْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ وُلِدَ فَاطِمَةَ (علیها السلام) جَدُّهُ الْحُسَيْنِ بِنِ عَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ وَ وَالِدُهُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ بِنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ التَّقِيِّ بِنِ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ التَّقِيِّ بِنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ الرِّضَا بِنِ الْإِمَامِ مُوسَى الْكَاطِمِ بِنِ الْإِمَامِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ بِنِ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ بِنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ بِنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ بِنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ (علیهم السلام) يُوْاطِئُ إِسْمُهُ إِسْمَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يُبَايِعُهُ الْمُسْلِمُونَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ. (29)

نکته ی جالب

این عربی مطلبی دارد که خیلی عجیب و ارزشمند است. ایشان می گوید ما عصمت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به روایات متواتره از پیغمبراکرم (صلى الله عليه و آله) اثبات می کنیم؛ چون پیغمبراکرم (صلى الله عليه و آله) درباره اش فرموده است که خطا نمی کند، سهو نمی کند؛ ولی عصمت پیغمبر (صلى الله عليه و آله) را با دلیل عقلی ثابت می کنیم. می گوید عصمت پیغمبر (صلى الله عليه و آله) با دلیل عقلی ثابت می شود، ولی اثبات عصمت امام منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به فرمایش پیغمبراکرم (صلى الله عليه و آله) است. این را من خودم در فتوحات دیدم. آن وقت این نکته را برای شما می گویم چون شما همه محقق هستید، متوجه این نکته بشوید. در ادامه شعرانی می گوید:

این مطالبی را که از فتوحات نقل می کنم از نسخه قونیه یکی از شهرهای ترکیه ی فعلی است؛ زیرا نسخه ی مصری مجسوس فیها است.

شیخ عبدالوهاب شعرانی می گوید، نسخه مصری مجسوس فیها است؛ یعنی اعتباری به آن نیست. متأسفانه این چاپی که الان در دست است، نسخه ی مصری است. قطعاً نسخه قونیه در کتابخانه های ترکیه وجود دارد؛ و این شهادتی است از بزرگ ترین

شخصیتی که شارح کلام شیخ محی الدین است که در کلمات شیخ دست برده اند.  
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پی نوشت ها :

1. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 92، ص 94. (در قرآن آیه ای نیست جز آن که برای آن ظهر و بطنی است) - محمدی ری شهری، محمد: میزان الحکمة: (ما انزل الله آية إلا لها ظهرٌ و بطنٌ...) چاپ اول، دارالحدیث، ج 3، حدیث شماره 16570.
2. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 92، ص 94.
3. همان. (منظور از «ظهر» تنزیل آن آیه و منظور از «بطن» تأویل آن است).
4. نحل(16): 43. (و پیش از تو، جز مردمانی که به آن ها وحی کردیم، نفرستادیم. اگر نمی دانید از آگاهان بپرسید [تا تعجب نکنید از این که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از میان همین مردمان برانگیخته شده است].)
5. نحل(16): 43. (... اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید [تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از میان همین مردمان برانگیخته شده است].)
6. قصص(28): 5-6. (ما می خواستیم بر مستضعفان زمین متت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم...).
7. سوره ی قصص(28)، آیه ی 5.
8. ری شهری، محمد: میزان الحکمه، ج 2، ح 1042 (از حضرت امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نظری به سوی علی و حسن و حسین (علیهم السلام) افکند و گریست و [سپس] فرمود: شما مستضعفان پس از من هستید. مُقْضَلٌ از امام صادق (علیه السلام) پرسید: معنای این سخن چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: معنایش آن است که شما امامان پس از من هستید؛ [زیرا] خداوند عَزَّوَجَلَّ فرموده است: «... و نرید...» [بعد] ادامه داد: این آیه تا روز قیامت درباره ی ما جاری است و مصداق دارد).
9. عبده، محمد: نهج البلاغه، دارالمعرفة، بیروت، کلمات قصار شماره ی 209.
10. قصص(28): 5-6.
11. (و امامیه گمان می کنند که این آیه وعده ای از جانب خدا درباره امام غایبی است که در آخر زمان به زمین حکم می راند، و اصحاب ما (اهل تسنن) می گویند: این وعده ای است به امامی که بر زمین حکم می کند و بر کشورها مستولی می شود).
12. ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه (... لزومی ندارد که امام در حال حاضر موجود باشد، بلکه در صحیح بودن این کلام همین کفایت می کند که در آخر وقت متولد شود...)
13. کلینی، الکافی، ج 4، ص 557. (... اراده ی خداوندی در جریان مقادیر امور به سوی شما فرود می آید و از منازل شما صادر می شود...)
14. قمی، شیخ عباس: کلیات مفاتیح الجنان، ص 257، زیارت رجبیه: (... من از شما می خواهم و به شما امید بسته ام در آنچه به شما تفویض شده و بر شماست عوض دادن...); صدوق: من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 596.
15. انبیا(21): 105. (در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»)
- 16-19. همان.
20. نور(24): 55. (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، [آن چنان] که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت...)
21. زخرف(43): 57-61. (و هنگامی که درباره ی فرزند مریم مثلی زده شد: ناگهان قوم تو به خاطر آن داد و فریاد راه انداختند و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او [مسیح]؟! [اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده] ولی آن ها این مثل را جز از طریق جدال [و لجاج] برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه توز و پرخاشگرند. مسیح فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم. و هرگاه بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می دهیم که جانشین (شما) گردند. و او [مسیح] سبب آگاهی بر روز قیامت است. [زیرا نزول عیسی (علیه السلام) گواه نزدیکی رستاخیز است] هرگز در آن تردید نکنید، و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.)
22. به زودی احادیثی که تصریح دارند او از خاندان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است خواهد آمد. در آیه دلالتی بر برکت در نسل فاطمه و علی (علیهما السلام) است و این که خداوند از آن دو سفیر (واسطه ی) نیک سرشتی را پدید آورد و نسل شان را کلیدهای حکمت و معادن رحمت قرار دهد. راز این مسأله آن است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فاطمه (علیها السلام) و نسلش را از شیطان رانده شده حفظ کرد و برای علی (علیه السلام) نیز چنین دعایی فرمود.
23. هیثمی، ابن حجر: صواعق المحرقة. (پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: چگونه اید هنگامی که فرزند مریم [حضرت مسیح (علیه السلام)] فرود آید و امامتان از شما باشد).
24. زخرف(43): 61. (سخن خدای تعالی که فرمود: «و همانا آن، نشانه ای برای [فهم] رستاخیز است...»).

25. (سخن گوینده) از نشانه های رستاخیز است؛ چون نزول یا (ظهور) آن حضرت در آخر زمان است.  
26. مجلسی، محمدباقر: بحارالانوار، ج 36، ص 365. (تا با شما دوازده خلیفه که تمامشان از قریشند، باشند پیوسته این دین [اسلام] بر پا (عزیز) خواهد بود).

27. ری شهری، محمد: میزان الحکمه، ج 1، ص 244. (یا علی! چنان که خدا با ما آغاز کرده است، با ما ختم خواهد کرد).  
28. همانا مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان امام حسن عسکری (علیه السلام) است که در نیمه شعبان سال 255 ه.ق. متولد شد و او باقی خواهد بود تا آن که عیسی (علیه السلام) پسر مریم (علیها السلام) بدو پیوندد، بنابراین عمرش در حال حاضر [وقت نوشتن کتاب] 706 سال است.

29. عبارت شیخ محی الدین در فتوحات، باب 366 چنین است: لا جرم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام خواهد کرد، لیکن پس از آن که زمین از ظلم و جور پر شود که آن حضرت آن را از عدل و داد پر خواهد کرد و اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خدای تعالی آن یک روز را چنان طولانی کند تا آن که این خلیفه از خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از فرزندان فاطمه (علیها السلام) که جدش حسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) و پدرش حسن عسکری (علیه السلام) فرزند امام علی النقی (علیه السلام) فرزند امام محمدتقی (علیه السلام) فرزند امام علی الرضا (علیه السلام) فرزند امام موسی کاظم (علیه السلام) فرزند امام جعفر صادق (علیه السلام) فرزند امام باقر (علیه السلام) فرزند امام زین العابدین (علیه السلام) فرزند امام حسین (علیه السلام) فرزند امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) ولایت مردم را به دست گیرد. او هم اسم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که مسلمانان میان رکن و مقام [ابراهیم] با او بیعت می کنند.

منبع مقاله :

امینی، ابراهیم... [و دیگران]، (1381) قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم)، چاپ چهارم